



ویژه نامه زنده یاد میرزا جلیلی

ای عاشقان، ای عاشقان، هنگام کوچ است از جهان در گوش جانم می رسد، طبل رحیل از آسمان

هنگام کوچ که رسید، «میرزا جلیلی» ما نیز آن را با گوش جان شنید و به ندای حق، لبیک گفت. خوشا به سعادتش که آگاه بود و به قول پروین اعتصامی، آماده کرده بود آن چه راه، که بدان نیاز داشت:
رهروان این گذرگاه، آگهند
توش راه خود، فراهم کرده اند

زنده یاد «میرزا جلیلی»، نامی آشنا برای چند نسل از مدرسه رفته های ایران است که صفات برجسته اش، از وی معلمی مثال زدنی ساخت و همین، توشه راهش شد. آن چه که آقای «میرزا جلیلی» را از بسیاری دیگر متمایز نمود، این بود که عاشق معلمی اش بود و آن را با «هیچ چیز» دیگری، معاوضه نکرد. برای وی، کارهای آموزشی متنوعی که انجام داد و میراث گرانبهایی که باقی گذاشت، نشان دادن بخش های متفاوتی از مسئولیت پذیری - نه امتیاز خواهی - یک معلم خوب به معنای واقعی کلمه بود. به طور مشخص، کارهایی که در رابطه با برنامه ریزی درسی، تألیف کتاب، آموزش معلمان و نوشتن و ترجمه و تصحیح و داوری انجام می داد، همه و همه راه، جزو مسئولیت های معلمی خود می دانست. بدین سبب، آرامش داشت و با پشتکار بی نظیر و دقت سرشارش، بی سروصدا و بی حاشیه، تا واپسین لحظه های عمر با برکتش، دست از تولید و یاد دادن و یاد گرفتن، برنداشت.

آقای جلیلی برای ارتقای علمی خود و در نتیجه، ارتقای سطح توانایی‌های دانش‌آموزانش، محدودیت‌ها را از سر راه برمی‌داشت و از پا نمی‌نشست تا به مقصود برسد و به محض رسیدن به هدف میان‌مدتی که برای خود تعیین کرده بود، دستاوردهای علمی‌اش را در کلاس‌های درس و بعد در گروه ریاضی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف، سخاوتمندانه با دیگران به اشتراک می‌گذاشت. بعید می‌دانم که کسی، تصویری از مرحوم آقای جلیلی را در حالت بی‌کاری، در خاطر داشته باشد! او همیشه می‌خواند و می‌نوشت و اظهار نظر می‌کرد و برای همکارانش هم، دائم به فکر «وصل» بود و تا پای جان، از «فصل»، پرهیز می‌نمود! خاطره عینک ته‌استکانی‌اش که این اواخر، رویش یک ذره‌بین هم می‌گرفت، در ذهن‌های بسیاری از ما حک شده است.

همه اعضای هیئت تحریریه واقف بودند که آقای جلیلی، بخش گران‌قدری از تاریخ شفاهی تحولات آموزشی و برنامه‌های درسی ریاضی ایران در بیش از پنج دهه است و این تاریخ، باید ثبت و ضبط شود. از طرف دیگر، همه می‌دیدیم که دیگر، چندان وقتی باقی نمانده است و صدای «الرحیل» را همگی با ترس و لرز می‌شنیدیم. بدین سبب در اغلب شماره‌های اخیر مجله، مرحوم جلیلی مطلبی آموزنده از این تاریخ نوشتند و در مجله چاپ شد که عنوان آخرین مقاله، «دنیا که آخر نشده!» بود، که در شماره ۱۲۱ چاپ شد. مرحوم جلیلی، یکی از فعال‌ترین و وقت‌شناس‌ترین اعضای هیئت تحریریه مجله بود که در آخرین جلسه هم، با حوصله همیشگی، چند مقاله را خواندند، چند تای دیگر را با خود به منزل بردند که داوری کنند که مثل همیشه، اجل همه ما را غافلگیر کرد!

این شماره مجله آماده چاپ بود که آقای جلیلی را از دست دادیم. سه روز پس از رحلت ایشان، و در اولین جلسه‌ای که بعد از مدت‌ها، بدون حضورشان تشکیل شد، در تکاپو بودیم که چگونه می‌توان در مجله‌ای که آماده چاپ شده بود، حداقل به گوشه‌ای از زندگی پربارشان بپردازیم.

با کمال خوشوقتی، جناب آقای ناصری - مدیر مسئول محترم مجلات رشد - با درایت و شناختی که از مرحوم جلیلی پیدا کرده بودند، درخواست هیئت تحریریه را مبنی بر اضافه کردن یک قالب چاپ ۸ صفحه‌ای به مجله، تکمیل نموده و خودشان پیشنهاد ۱۶ صفحه را دادند. اعضای محترم هیئت تحریریه مجله، با استقبال زیاد از این پیشنهاد، این ویژه‌نامه را تقدیم خوانندگان عزیز می‌کنند. طبیعی است که به دلیل محدودیت زمان و صفحه، این ویژه‌نامه از کیفیت حداکثری برخوردار نیست، ولی گاهی ضرورت دارد که نقطه بهینه زمان را از دست ندهیم. در هر حال، بدون موافقت مدیر کل محترم دفتر و همراهی همکارانمان در بخش‌های مختلف تولید مجله، این امر شدنی نبود. از همه متشکریم!

پابه پای معلم فرهیخته و دلسوز، میرزا جلیلی

اسمعیل بابلیان

دانشگاه خوارزمی، عضو هیئت تحریریه مجله رشد آموزش ریاضی

بیش از ۴۰ سال از آشنایی من با آقای میرزا جلیلی می‌گذرد. به تازگی به عنوان استادیار در گروه ریاضی دانشگاه تربیت معلم استخدام و شروع به کار نموده بودم. دکتر دانش نارویی مدیر گروه ریاضی بود و در متن تحولات ریاضی آن زمان قرار داشت. کتاب‌های ریاضی جدید تازه تألیف مین‌باشیان و میرزا جلیلی، برای تدریس در دبیرستان‌ها تدوین شده بودند. گروهی از اعضای هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم، از جمله من، به سرپرستی دکتر دانش نارویی، آموزش دبیران ریاضی را برای تدریس کتاب‌ها، به عهده گرفتیم.

آقای میرزا جلیلی با جدیت و عشق وافر، به بحث و گفت‌وگو با دبیران می‌پرداخت. اغلب دبیران او را می‌شناختند و از صداقتش در کار، مطلع بودند. این که وارد نمودن ریاضیات جدید، پس از شکست وارد کردن آن به مدارس آمریکا، خوب بود یا بد مورد نظر نیست، هر چند تحولی بود و سبب حذف برخی موضوعات قدیمی و غیرمفید شد.

دوره دوم همکاری من با آقای جلیلی، از مهر سال ۱۳۵۹ شروع شد. خرداد ۱۳۵۹، پس از اخذ مدرک دکتری، از انگلستان به ایران برگشتم. متأسفانه با ورود من به ایران، دانشگاه‌ها تعطیل شدند! به پیشنهاد مرحوم دکتر مسعود فرزاد، از اعضای هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم، و موافقت اعضای شورای ریاضی دفتر تألیف کتاب‌های درسی آموزش و پرورش و مدیر گروه ریاضی این دفتر (آقای میرزا جلیلی)، به عضویت شورای ریاضی درآمدم و با آقایان دکتر لاهی، دکتر کریم‌پور، دکتر فرزاد، دکتر دیبائی، دکتر بیژن‌زاده، صفر باهمت، فرهودی، هاشم رستمی، حسن‌پور و... در تألیف کتاب‌های ریاضی اول تا پنجم همکاری داشتم. نکته برجسته در این دوران، تشکیل مرتب و منظم جلسات شورای ریاضی، مدیریت جلسه و ثبت مذاکرات جلسه و



پیگیری امور مربوط به تشکیل جلسات تألیف کتاب‌های ریاضی توسط آقای میرزا جلیلی بود. علاوه بر این امور، اطلاع‌رسانی و سازمان‌دهی جلسات مصاحبه و انتخاب آموزگاران زنده هر پایه برای شرکت در تألیف کتاب ریاضی همان پایه بود (کاری که در تألیف کتاب‌های ریاضی ابتدایی فعلی، صورت نگرفته است) که انرژی مضاعفی از آقای جلیلی می‌گرفت. پس از تألیف هر کتاب و چاپ آزمایشی آن، انتخاب مدارس برای پیاده‌سازی و بازآموزی آموزگاران این مدارس برای آموزش مفاهیم کتاب‌های جدید بود که نقش آقای میرزا جلیلی در این مورد نیز، برجسته بود. پس از پیاده‌سازی هر کتاب به‌طور آزمایشی و اعمال نظرات آموزگاران و صاحب‌نظران روی کتاب آزمایشی، کتاب بازسازی شده برای تدریس در کل کشور تدوین و با وسواس فراوان، در مورد انتخاب محتوا و تصویرها، به زیر چاپ می‌رفت. از سال ۱۳۶۱، هر تابستان تعدادی از مؤلفان و اعضای شورای ریاضی دفتر تألیف، برای بازآموزی آموزگاران شهرستان‌ها به شهرهای مختلف مسافرت می‌کردند. اوایل انقلاب بود و شور و حال زایدالوصفی در معلمان به چشم می‌خورد و از این‌که افرادی نسبتاً جوان، عهده‌دار تألیف و بازآموزی آموزگاران شده بودند، رضایت داشتند. به‌خاطر دارم که به‌صورت خانوادگی، من و همسر و دو فرزندم با آقای جلیلی و همسر و دو فرزندش، یک هفته در همدان بودیم و به آموزش آموزگاران و دبیران آن خطه پرداختیم.

تعویض کتاب‌های ریاضی ادامه یافت. کتاب‌های ریاضی دوره راهنمایی، با نشیب و فراز زیاد، صورت گرفت. جا دارد که از زحمات و خدمات شادروان دکتر مسعود فرزاد در جهت تألیف کتاب‌های ریاضی راهنمایی نیز یاد داشته باشم و از او که با دعوت‌م به شورای ریاضی دفتر تألیف، اجازه داد سهمی در خدمت به فرزندان کشورم داشته باشم، تشکر نمایم. بدون شک، نقش آقای جلیلی در تألیف این کتاب‌ها نیز، فراموش نشدنی است.

در سال ۱۳۶۳، از طرف وزارت آموزش و پرورش، چند نفر از اعضای شورای ریاضی دفتر تألیف، برای شرکت در پنجمین کنگره بین‌المللی آموزش ریاضی (ICME-5) که در شهر آدلاید برگزار شد، به استرالیا سفر کردیم و در ژاپن، توفقی کوتاه داشتیم و با شرکت‌های چاپ کتب درسی، جلساتی برگزار نمودیم. آقای جلیلی بسیار خوش‌بین، خوش‌مشرّب، بذله‌گو و خانواده‌دوست بود (برای تمام افراد خانواده سوغاتی مناسب آن‌ها را خریداری کرد). در این سفر، از او بسیار آموختم.

در سال ۱۳۷۰، من و آقای جلیلی، دکتر مدقالچی و آقای رضا شهرداری، مأمور تألیف کتاب‌های ریاضی ۱ و ۲ شدیم که برای اولین بار، تمام دانش‌آموزان پایه‌های اول و دوم دبیرستان، مجبور به خواندن آن‌ها بودند.

آقای میرزا جلیلی، کارگردانی تألیف کتاب‌های ریاضی مراکز تربیت‌معلم را نیز به‌عهده داشت. چند نفر دیگر از جمله دکتر لالی و دکتر فروزانفر هم در تألیف این کتاب‌ها، مشارکت داشتند. گرچه آقای حسام‌الدینی دوست و همکار آقای جلیلی در دفتر تألیف بود، ولی دلسوزی، تعامل‌سازنده و پیگیری امور، مختص آقای جلیلی بود و پیش‌بردار امور بدون پیگیری‌های آقای جلیلی، میسر نبود.

با شروع چاپ مجلات رشد، باز هم آقای جلیلی بود که آستین بالا زد و عده‌ای عاشق را دور هم جمع کرد؛ افرادی چون دکتر علیرضا جمالی و دکتر جواد لالی که علاوه بر سردبیری و تدوین مجله، فروش مجلات رشد آموزش ریاضی را نیز انجام می‌دادند تا این مجله پا بگیرد، که گرفت. آقای جلیلی، تا پایان سال ۱۳۹۳ به‌طور مرتب در جلسات هیئت تحریریه مجله رشد آموزش ریاضی شرکت می‌کرد و برای اکثر شماره‌های این مجله، مقاله تهیه می‌کرد و خوانندگان این مجله را در جریان تاریخ و نشیب و فرازهای ریاضی ایران قرار می‌داد. آقای جلیلی با عشق به فرزندان این مرزوبوم و عشق به همسر و فرزندان‌ش زندگی کرد. روحش شاد.



میرزا جلیلی: معلمی بزرگ که یاد گرفتن را، پیش فرض یاد دادن می دانست!



بیژن ظهوری زنگنه
دانشگاه صنعتی شریف
عضو هیئت تحریریه مجله رشد آموزش ریاضی

اولین بار که با آقای میرزا جلیلی آشنا شدم، «دومین کنفرانس ریاضی کشور» در فروردین ۱۳۵۰ در دانشگاه صنعتی شریف (آریامهر سابق) بود. در آن کنفرانس، میزگردی با عنوان «اصلاح برنامه‌های ریاضی کشور» برگزار شد که هماهنگ کننده آن، مرحوم دکتر مرتضی انواری، رئیس دانشکده ریاضی دانشگاه در آن زمان بود. از جمله شرکت کنندگان در این میزگرد، مرحوم پروفیسور تقی فاطمی و مرحوم دکتر افضل‌پور بودند. من هم که دانشجوی سال چهارم رشته ریاضی بودم، به ابتکار دکتر انواری، در این میزگرد شرکت کردم. شرکت کنندگان در میزگرد، صحبت‌های خود را ارائه کردند و بعد، نوبت به حاضران در جلسه رسید. اولین نفر، خود را «میرزا جلیلی، دبیر ریاضی» معرفی نمود و با شور و شوق فراوان، به بحث در مورد برنامه درسی ریاضی پرداخت. حیف است که همان صحبت‌های پرشور، دوباره شنیده نشود. به این سبب، و به دلیل این که تمام زندگی کاری مرحوم جلیلی،



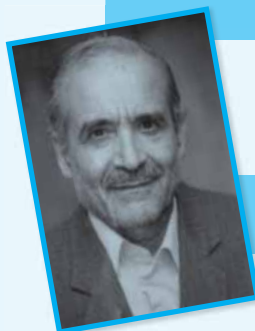
نشان‌دهنده ثبات فکری و تلاش بی‌وقفه و بی‌اعای ایشان جهت بهبود ریاضی مدرسه‌ای در ایران بود، آن صحبت را نقل می‌کنم.

آقای جلیلی (از میان حضار): گرچه عده‌ای از دبیران هفته‌ای ۵۰ الی ۶۰ ساعت در مدارس مختلف تدریس می‌کنند، ولی عده‌ای هم هستند که علاقه‌مند به مطالعه و تحقیق می‌باشند. خود بنده مدت یک سال در فن تدریس و دروس مطلوب و ریاضی دوره‌های دبیرستانی در انگلستان مطالعه و تحقیق کرده‌ام و اطلاعاتی درباره تغییر و تحول در برنامه‌های ریاضی دارم و پس از مراجعت، تحت نامه‌ای علاقه‌مندی خویش را جهت کمک به رفورم در برنامه درسی ریاضی کشور به وزارت آموزش و پرورش ارسال داشته و فعلاً مشغول نوشتن کتاب ریاضی برای سال چهارم دبیرستان‌ها هستم که در آن مقداری آنالیز، جبر مدرن و تئوری مجموعه‌ها و کاربرد آن‌ها و همچنین تبدیلات خطی و ساختمان‌های جبری و غیره هست.

(یادنامه بیست و پنج سال کنفرانس ریاضی، ۱۳۷۳، ص. ۴۶)

سال‌ها بعد، با داشتن این خاطره فراموش نشدنی در ذهن، در موقعیتی دیگر با آقای میرزا جلیلی آشنا و این بار، همکار شدم! بازی روزگار، این دو آشنای ناآشنا را در جلسه‌های تألیف کتاب‌های درسی ریاضی برای «نظام جدید آموزش متوسطه»، کنار هم نشاناند! از سال ۱۳۷۳، به‌طور منظم مرحوم جلیلی را در جلسه‌های تألیف می‌دیدم و از سال ۱۳۷۵ نیز در هیئت تحریریه مجله رشد آموزش ریاضی، با ایشان بیشتر آشنا شدم. در تمام این جلسه‌ها، چیزی که همیشه مثال‌زدنی و آموختنی بود، تعهد، شور و شوق، تلاش دائم برای دانستن تا آخرین روزهای زندگی و صبوری در مقابل انتقادات و اختلاف‌نظرها بود که در هر جمع علمی، از بدیهات است.

مرحوم میرزا جلیلی، به واقع دایرةالمعارف تغییرات برنامه درسی ریاضی مدرسه‌ای ایران در تاریخ معاصر بود. من به نوبه خود، هم در جلسات تألیف کتاب‌ها و هم در جلسات هیئت تحریریه، از این معلم بزرگ و عاشق، با حافظه بسیار قوی و علاقه‌مندی به ذکر خاطرات گوناگون و آموزنده که هر کدام گنجینه‌ای برای این بخش از تاریخ آموزشی در ایران است، خیلی چیزها آموختم. انسانی که همیشه مورد احترام بود و امیدوارم که من هم بتوانم مانند مرحوم میرزا جلیلی، تا آخرین لحظه عمر، دغدغه بهبود آموزش و پرورش ایران را در وجودم، شعله‌ور نگه دارم. روحش شاد.



اولین دیدار!

سهیلا غلام آزاد

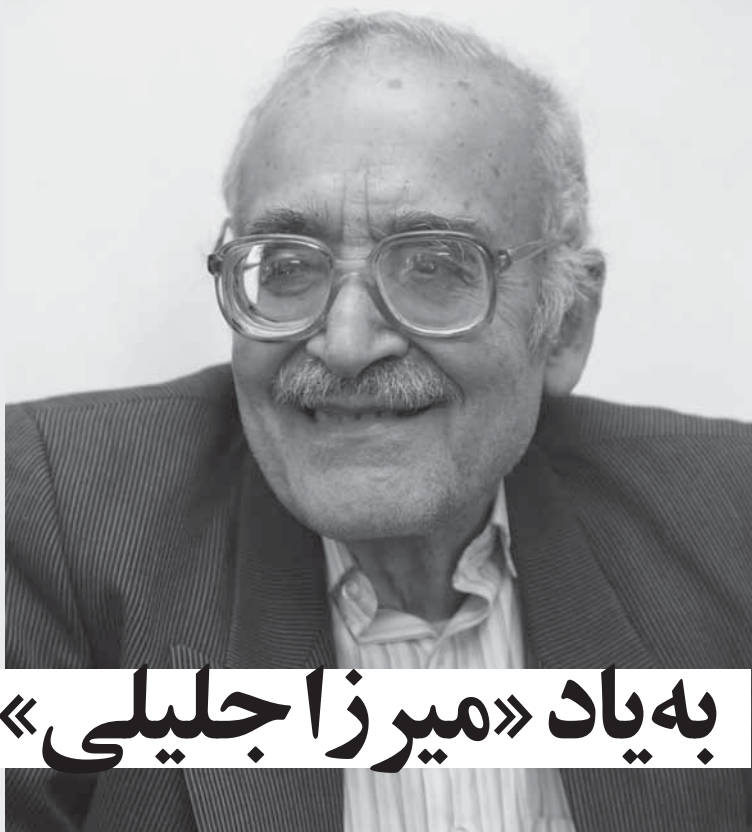
پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش، عضو هیئت تحریریه مجله رشد آموزش ریاضی

اولین بار، آقای میرزا جلیلی را سال ۱۳۶۷، در دفتر کار آقای مسعود ابوطالبی، مدیر کل وقت «دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی»، ملاقات کردم. سال قبل از آن، تیم دانش‌آموزان ایران برای نخستین بار، در المپیاد بین‌المللی ریاضی (IMO) در کوبا شرکت کرده بود و با کسب یک مدال برنز، انگیزه زیادی در جامعه ریاضی برای کسب مقام‌های بهتر، ایجاد شده بود. من هم که تازه از دوره کارشناسی دبیری ریاضی فارغ‌التحصیل شده بودم، به پیشنهاد یکی از استادانم، یک مجموعه از مسائل المپیاد ریاضی مجارستان را برای دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، ترجمه کردم. در آن زمان آقای جلیلی، از کارشناسان ارشد و خبره گروه ریاضی دفتر تألیف بودند.

وقتی وارد دفتر مدیر کل شدم تا باز خورد کارم را جویا شوم، آقای جلیلی آنجا حضور داشتند. معلوم بود که قبل از ورودم، نظرشان را در مورد ترجمه‌ها، به مدیر کل اعلام کرده بودند. من که جوانی بی‌تجربه بودم، با دیدن نوشته‌هایم در دست آقای جلیلی، احساس دلهره کردم. ولی این احساس زیاد دوام نداشت، چرا که ایشان بلافاصله، صحبت‌های مشفقانه خود را شروع کردند. این که برای آماده‌سازی دانش‌آموزان جهت شرکت در المپیاد بین‌المللی ریاضی، چقدر نیازمند چنین مجموعه‌هایی هستیم و این که چقدر منابع فارسی که در اختیار داریم، محدود و ناکافی هستند. در آخر، مجموعه را به صورت بسته برگرداندند و از من خواستند با توجه به توصیه‌های پیشنهاد شده، کار را ویرایش کنم. بعد از جلسه، وقتی پوشه ترجمه‌ها را باز کردم، با دیدن نوشته‌های قرمز رنگ روی آن‌ها، دچار شوک شدم! تقریباً روی تمام خطوطی که نوشته بودم، توضیحات اصلاحی آورده بودند و هیچ نکته‌ای از چشم ایشان دور نمانده بود. آن روز، اولین درس ایشان را نه فقط در حوزه ریاضی، که از نظر اخلاق معلمی، آموختم و از آن پس، هر روز کار در کنار ایشان، درسی برای من به همراه داشت.

نظم و جدیت در همه کارها، مطالعه مستمر منابع، سخاوت در انتقال تجربه‌های غنی که به عنوان معلم، برنامه‌ریز و مؤلف کتاب‌های درسی ریاضی کسب کرده بود، رفتاری متین به خصوص با معلمان، و از همه مهم‌تر عشق به تدریس ریاضی، از جمله شاخص‌های فراموش نشدنی رفتار آقای جلیلی بود. من این شانس را داشتم که سال‌ها در کنار ایشان کار کنم. امیدوارم بتوانم امانت‌دار و در عین حال، اشاعه‌دهنده درس‌هایی باشم که از آقای جلیلی آموختم.

روحش شاد و یادش گرامی و پایدار باد.



به یاد «میرزا جلیلی»

سپیده چمن آرا - سردبیر مجله رشد برهان متوسطه اول

پیدا می‌کرد، همیشه خوش قول بود و متعهد نسبت به کاری که باید برای مجله انجام می‌داد، چه برای داوری مطالب رسیده، چه برای نوشتن مطلبی برای مجله، و چه برای حضور در جلسات؛ و من به راحتی روی قول و قرار ایشان حساب می‌کردم.

یک موضوع بود که آقای جلیلی همواره آن را دنبال می‌کرد و آن، سؤال‌های ریاضی در کنکور بود. هر سال، سؤال‌ها را به دقت بررسی می‌کرد و البته همواره از این که چرا باید عده‌ای سودجو، از موقعیت سوء استفاده کنند و سؤال‌هایی که به راحتی می‌توان آن‌ها را با درک مفهومی حل کرد، به صورت نکته‌ای و طوطی‌وار به خورد دانش‌آموزان معصوم بدهند، شاکی بود.

آخرین چیزی که دوست دارم بگویم این است که تا مدت‌ها، فکر می‌کردم نام خانوادگی ایشان «میرزا جلیلی» است! اولین بار که باید ماکت مجله را بررسی می‌کردم و نام اعضای هیئت تحریریه را در آن خواندم، متوجه شدم که نامشان «میرزا» و فامیلشان «جلیلی» است! یاد و نامشان همواره در خاطرات ما به نیکی و قشنگی زنده باد.

اولین بار، چهارده سال پیش او را دیدم، زمانی که برای نخستین بار در جلسه هیئت تحریریه مجله رشد آموزش ریاضی، به‌عنوان مدیر داخلی آن مجله شرکت کرده بودم. مردی میان‌سال، ریزجثه، کمی قوز کرده، و با عینکی ته‌استکانی که نشان می‌داد سال‌ها با آن چشمان، خوانده است و نوشته است...

خب آن موقع، خیلی جوان‌تر از آخرین باری بود که او را دیدم. در آخرین دیدار، با حالتی پدرا نه و با مهربانی تمام، جویای احوال و اوضاع من شد، حالتی که هرگز تا عمر دارم، فراموش نخواهم کرد.

قصد ندارم در این نوشتار کوتاه، از نقش او در تغییر برنامه درسی ریاضی و تألیف کتاب‌های درسی ریاضی نظام قدیم بگویم؛ که افراد صاحب‌نظرتری هستند که در این خصوص بنویسند. من تنها درباره «میرزا جلیلی» از دریچه نگاه خودم و از میان خاطرات خویش می‌نویسم: طی ده سالی که به واسطه مسئولیت‌م در مجله رشد آموزش ریاضی، افتخار همکاری با او را داشتم، همواره وی را فردی پیگیر دیدم. تمام جلسات مجله را با علاقه می‌آمد، همیشه سرموقع در جلسات حضور

کلام گرم و طنز آمیزش، طنین انداز گوشم است!

مهدی رجبعلی پور - دانشگاه شهید باهنر کرمان، عضو هیئت تحریریه مجله رشد آموزش ریاضی

خبر درگذشت میرزا جلیلی برایم بسیار ناراحت کننده بود. ظاهر خمیده اش در این روزهای آخر عمر، روایتی از یک عمر طولانی مطالعه و نویسندگی بود. چند سالی می شد که در جلسات هیئت تحریریه مجله رشد آموزش ریاضی، کنار هم می نشستیم و از نزدیک، درد دل هایش را گوش می کردیم. شاید خاطره زیر، بهترین نمونه از درد دل هایش باشد:

در یک کنفرانس بین المللی ریاضی در هلند شرکت کرده بودم؛ یک استاد برزیلی ضمن سخنرانی خود، مطالب جدیدی را برای برنامه های دبیرستان پیشنهاد کرد. بعد از سخنرانی وی، حاضران برای صرف چای به سالن مجاور رفتند. بر حسب تصادف، من سر میزی قرار گرفتم که دو نفر فرانسوی هم آنجا نشسته بودند. پس از تعارف، آن ها به کارت شناسایی که بر سینه ام نصب شده بود، نگاه کردند و گفتند «از ایران هستید؟» سپس ادامه دادند که «خوب است شما پیشنهادهای استاد برزیلی را به کشورتان ببرید و اجرا کنید». گفتم «شما چرا اقدام نمی کنید؟» جواب دادند که تغییر برنامه و کتاب در فرانسه، به این آسانی نیست که ما تا اراده کنیم و بخواهیم، تغییر کند یا عوض شود. مسئولان آموزشی ما معتقدند که تغییر یک نظام آموزشی یا برنامه، اگر بدون مطالعه و به صورت جهشی انجام بگیرد، تلاطم و آشوبی در کلاس ها و خانواده ها ایجاد می کند که ضررش بیشتر از نفعش است. از این جهت، ما در تغییر نظام و برنامه های خود، خیلی با احتیاط و حساب شده و با بررسی همه جوانب و فراهم ساختن زمینه و مقدمات کار، اقدام می کنیم و این زمان می برد. اما در سایر کشورها، این طور نیست. مثلاً شما به عنوان مسئول یا کارشناس، هر وقت اراده کنید می توانید، یک شبه برنامه ها و کتاب های خود را عوض کنید. در آن روز، من این گفت و گور را جدی نگرفتم و آن را حمل بر غرور و برتری طلبی غربی ها کردم. اما بعدها در عمل متوجه شدم که در این زمینه، روال کار غربی ها با ما چقدر متفاوت است.

واقعاً نشستن در کنار چنین انسان های نکته بینی، چقدر آموزنده و سودمند است. از این گونه خاطرات، یکی دوتا نداشت؛ عمری را در سیر و سیاحت و جهان بینی گذرانده بود که با آن ها، مطالعات و نویسندگی های خود را تکمیل می کرد. کلام گرم و طنز آمیزش، طنین انداز گوشم است. جایش خالیست و بر از دست دادن یک یک این پیشکسوت ها، اشک می ریزم.

جعفر ربانی، پیشکسوت آموزش و پرورش



نخستین آشنایی من با میرزا جلیلی؛ معلم، مدیر، آموزشگر و کارشناس توانمند ریاضی، در دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی روی داد. اوایل دهه هفتاد بود و ایشان مسئول گروه ریاضی آن دفتر بود و سال‌های آخر خدمت رسمی خود را سپری می‌کرد. آن زمان، جلیلی و چند تن دیگر از کارشناسان آن دفتر را که می‌شناختم، در واقع بقیه‌السيف کارشناسان توانایی به‌شمار می‌رفتند که در دو دهه چهل و پنجاه، نقشی تعیین‌کننده و ماندگار در متحول ساختن آموزش و پرورش ایران ایفا کردند و به‌نوسازی آموزشی، جامعه عمل پوشاندند. زمانی که من با جلیلی آشنا شدم، بیش از ده سال از وقوع انقلاب اسلامی سپری شده بود و او و همکارانش در سازمان پژوهش، پس از یک دوره اصلاح و تغییر کتاب‌های ریاضی دوره ابتدایی، این بار مشغول کار برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های مناسب برای دوره «نظام جدید آموزش متوسطه» بودند که تازه آغاز شده و کاری فشرده و دشوار بود. می‌دیدم که میرزا جلیلی تا چه حد، در جلساتی که با استادان و کارشناسان ریاضی برگزار می‌کرد، در عین آرامش طبیعی که داشت، فعال و کوشا بود. به تدریج دریافتم که او، هم در تحصیل، هم در تدریس و هم در کارشناسی ریاضی، چهره‌ای طراز اول است و در این زمینه، کارنامه‌ای پربار و بار دارد.

میرزا جلیلی!

صاحب این نام در جایی گفته بود که «نام کوچک اینجانب، «میرزا» و نام فامیلم «جلیلی» است. ولی بسیاری از همکاران عزیز، میرزا جلیلی را نام فامیل بنده

میرزا جلیلی:
با ایمان، مهربان،
وظیفه‌شناس، پرکار و
در عین حال بی ادعا!

می‌دانند!» صحیح می‌گوید و من هیچ‌گاه ندیدم که آن شادروان را کسی - به جز همسر گرامی‌اش - جلیلی بخواند، و باز همه «میرزا جلیلی» می‌گفتند!

میرزا جلیلی در سال ۱۳۱۲ در بوشهر متولد شد، ۸۲ سال در این جهان زیست و سرانجام در آذر ماه ۱۳۹۴، به لقای دوست شتافت. وی دوره ابتدایی را در دبستان فردوسی زادگاهش گذراند و دوره اول دبیرستان را در «مدرسه سعادت بوشهر» سپری کرد. از مدرسه سعادت بوشهر، افراد موفق و چهره‌های مشهور بسیاری درآمدند که جلیلی یکی از آنهاست. جلیلی که خودش محضر عبدالکریم سعادت را درک کرده بود، او را در شغل معلمی سرمشق و راهنمای خود می‌دانست. وی از مرحوم سعادت نقل می‌کرد که «معلمی چشم و ابروی قشنگ نمی‌خواهد، قد و قامت رشید هم لازم ندارد، به زیبایی و قشنگی نیازی نیست، شیک‌پوشی هم نمی‌خواهد؛ بلکه احتیاج به صبر و حوصله، تحمل و بردباری، طاقت و شکیبایی، علاقه و فداکاری، سعی و کوشش، و ایثار و از خودگذشتگی دارد». در همان مدرسه سعادت بود که جلیلی، توانایی استثنایی خود را در ریاضیات نشان داد. در این باره گفته است: «در دبیرستان که بودم، تخیل داستان‌نویسی داشتم و اگر ریاضی نمی‌خواندم، شاید داستان‌نویس می‌شدم. اما وقتی در کلاس دوم دبیرستان درس می‌خواندم، وسط‌های سال، معلم جدیدی به کلاس ما آمد. هندسه درس داد و بعد مسئله‌ای تصویری روی تخته سیاه کشید و گفت: «بچه‌ها! هر کس این مسئله را برای روز دیگر حل کند، جایزه می‌گیرد». چون قد من کوتاه بود، جایم همیشه در ردیف اول بود. بعد از چند دقیقه اندیشیدن، دست بلند کردم و گفتم «من حل کردم». معلم جواب داد که «بنشین و وقت کلاس را نگیر، این مسئله به این سادگی حل نمی‌شود! من اصرار کردم. عده‌ای از بچه‌ها گفتند: آقا! اجازه بدهید برود و غلط حل کند تا به او بخندیم» و معلم اجازه داد. پای تخته سیاه رفتم. شکل هنوز روی تخته بود. یک خط اضافی روی آن کشیدم و به کمک آن خط، مسئله حل شد. فردای آن روز، جلوی صف مدرسه که در حیاط تشکیل می‌شد، رئیس دبیرستان مرا به اسم جلوی صف فراخواند و از قول آن معلم ریاضی، از هوش من تعریف کرد. این عمل در روحیه‌ام تأثیر مثبت گذاشت و به ریاضی علاقه‌مند شدم.»

جلیلی دوره اول دبیرستان سعادت را که به پایان رساند، به شیراز رفت تا در دانش‌سرای مقدماتی تحصیل

کند و آموزگار شود. در پایان یک دوره دو ساله، و پس از فارغ‌التحصیل شدن (۱۳۲۷)، محل کار او را شهر کازرون اعلام کردند. اما چون دریافتند وی در ریاضی توانایی خوبی دارد و دبیر ریاضی هم کم داشتند، جلیلی را به‌عنوان دبیر ریاضی دبیرستان پذیرفتند و او از سرآموزگاری برید! شش سال پس از تدریس در کازرون، در سال ۱۳۳۳ تصمیم گرفت در رشته ریاضی ادامه تحصیل دهد. بنابراین، دیپلم ناقص خود را به دیپلم کامل تبدیل کرد و امتحان داد و در رشته ریاضی در دانش‌سرای عالی در تهران پذیرفته شد. آنگاه از کازرون به‌عنوان معلم مأمور به تحصیل، راهی تهران شد و تحصیل خود را آغاز کرد. جلیلی سرانجام دوره لیسانس ریاضی را با رتبه اول به پایان رساند و با وجودی که می‌توانست برای ادامه تحصیل بورس بگیرد و به یکی از دانشگاه‌های خارج برود، اما گویا به دلایل شخصی، از این امتیاز استفاده نکرد. جلیلی به کازرون بازگشت و کار خود را ادامه داد. در همین شهر نیز ازدواج کرد و چند سال هم مدیر دبیرستان شاهپور کازرون شد.

در کازرون، یک آشنایی تصادفی سبب شد تا افق تازه‌ای بر جلیلی پدیدار شود (مشروح این اتفاق، در مصاحبه‌ای که با مرحوم جلیلی در شماره ۱۱۴ مجله رشد آموزش ریاضی چاپ شده است، قابل دسترس است). پس از آن اتفاق، در سال ۱۳۴۸، از طرف بخش فرهنگی سفارت انگلستان در ایران، مسابقه‌ای گذاشته بودند تا از طریق آن، افرادی را برای ادامه تحصیل در رشته ریاضی، در آن کشور بپذیرند. جلیلی در آن مسابقه شرکت کرد و قبول شد. سپس به انگلستان رفت و در دانشکده ریاضی کالج سلطنتی لندن (امپریال کالج)، یک دوره یک ساله را که معادل فوق لیسانس بود، گذراند. وی طی این مدت، علاوه بر درس‌های جدیدی که گذراند، بر روی کتاب‌های ریاضی مدارس انگلستان هم بررسی مفصلی انجام داد و با مجموعه‌ای از آن کتاب‌ها، به ایران بازگشت و به سر کار خود در کازرون رفت. در عین حال، گزارشی از آن مأموریت علمی یک ساله تهیه کرد و برای وزیر وقت آموزش و پرورش (خانم فرخ‌رو پارسای) فرستاد. در گزارش یادآور شده بود که «در حال حاضر، وضع ریاضیات در دبیرستان‌های ما، به‌روز نیست». این گزارش مورد توجه وزیر وقت واقع شد و پی‌آمد خوبی هم برای جلیلی داشت. زیرا به دستور وی، میرزا جلیلی در سال ۱۳۵۰، از کازرون به تهران منتقل شد تا در سازمان پژوهش و نوسازی آموزشی (سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی فعلی)، در گروه ریاضی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب

«همزمان با پیاده شدن نظام جدید (در دبیرستان)، یعنی از سال ۱۳۵۳ به بعد، به علت تغییرات ضربتی برنامه‌ها و کتاب‌ها و آماده‌سازی دبیران برای تدریس مطالب جدید، علاقه دانش‌آموزان نسبت به ادامه تحصیل در رشته ریاضی کم شد. لذا در سال ۱۳۶۱، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی کمیسیونی به نام «کمیسیون بررسی مشکلات آموزش ریاضی» متشکل از جمعی از اساتید دانشگاه، دبیران و صاحب‌نظران تشکیل داد. این کمیسیون به مدت دو سال، هفته‌ای یک روز تشکیل جلسه داد و اقداماتی انجام داد که در آن زمان، نتیجه‌بخش بودند. نکته قابل توجه این بود که مرحوم جلیلی، یکی از دلایل اصلی افت ریاضی دانش‌آموزان را در آن دهه، بی‌توجهی به یافته‌های مطالعاتی می‌دانست که در کشورهای پیشرفته، در رابطه با اجرای برنامه درسی «ریاضی جدید» در آموزش عمومی، به دست آمده بود. آقای جلیلی که بر اساس این رویکرد، برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی ریاضی را انجام داده بود، با مطالعه آن یافته‌ها، پیشنهاد اصلاح همان برنامه‌ها و کتاب‌ها را داد و این «خود انتقادی» بود که در وی وجود داشت. جلیلی در این باره ابراز نمود که «مطالبی که ما در کتاب‌هایمان آورده بودیم، مطالبی بود که در حقیقت از آن کتاب‌ها (کتاب‌های خارجی) شیره‌کشی و عصاره‌کشی کرده بودیم. چون فکر می‌کردیم لابد آن‌ها چیزهایی می‌دانسته‌اند که در سطح جهان، آن تغییر را انجام دادند.»

شادوران میرزا جلیلی مردی بود آراسته به صفات نیک، از جمله باایمان، دارای سلوک عبادی، مهربان، وظیفه‌شناس، پرکار و در عین حال بی‌ادعا.

آخرین دیدار من با مرحوم میرزا جلیلی، در اواسط تابستان گذشته اتفاق افتاد که از قضا، درست هم‌زمان شد با دیداری که خانم دکتر گویا، خانم دکتر غلام‌آزاد و خانم طباطبایی از آقای جلیلی داشتند. آن روز آقای جلیلی، البته با سختی، آمد کنار ما نشست و صحبت کرد و خوشبختانه از هشیاری کامل نیز برخوردار بود. در همان دیدار، من پیش‌نویس زیست‌نامه‌ای که نوشته بودم را به همسر ایشان دادم تا به نظر آقای جلیلی برساند تا اگر کم و کاستی داشت، به آن اضافه کنند. دو ماه بعد که برای گرفتن نوشته به در منزلشان رفتم، همسر ایشان گفتند که جلیلی، دیگر نمی‌تواند از روی تخت پایین بیاید و نوشته را نیز به من دادند که همراه با آن، یادداشت کوتاهی از آقای جلیلی بود که نوشته بود به علت ضعف حافظه، توانایی خواندن آن را ندارد. البته همسر آقای جلیلی به من گفتند که نوشته کم و کاستی ندارد.

درسی مشغول کار شود. بدین ترتیب، جلیلی در موقعیت و جایگاهی قرار گرفت که می‌توانست تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر آموزش ریاضی در کشور بگذارد و سرانجام هم چنین شد. در حقیقت، ریاضیات جدید با فاصله حدود دو دهه با غرب، وارد برنامه‌های درسی ریاضی مدرسه‌ای در ایران شد. این در حالی بود که در آمریکا و اروپا که مبداء این برنامه بود، به تدریج نوعی عقب‌نشینی از برنامه‌های درسی ریاضی جدید در مدارس آغاز شده بود و این اتفاق، البته در ایران حدود ده سال بعد، روی داد.

تجربه‌های معلم بزرگ میرزا جلیلی

جلیلی ضمن تسلطی که بر ریاضیات داشت، در روزآمد کردن دانش خود نیز سخت می‌کوشید. جلیلی در سال ۱۳۵۲ به آمریکا اعزام شد و یک دوره شش ماهه برنامه آموزشی را در دانشگاه تگزاس گذارند. در این دوره، ضمن مطالعه درس‌هایی مانند جبر مجرد، جبر خطی و نظریه اعداد، به بررسی کتاب‌های ریاضی دبیرستانی در آمریکا از سال ۱۹۳۰ تا ۱۹۷۰ پرداخت. هم‌چنین در کنفرانس‌های بین‌المللی متعددی از جمله استرالیا، انگلستان و هلند شرکت نمود. در سال ۱۳۶۳ نیز در سفر به ژاپن، با برنامه‌ریزان و مؤلفان ژاپنی به تبادل نظر و تجربه در زمینه برنامه‌ریزی درسی و تألیف کتب ریاضی پرداخت و بالاخره او، نخستین کارشناس گروه ریاضی بود که سرپرستی دانش‌آموزان ایرانی را به المپیاد جهانی ریاضی، بر عهده گرفت و به اتفاق دکتر محمدعلی نجفی، با آن تیم به کوبا رفت.

جلیلی و نقد خویشتن

اخیراً در کتاب مشهور تعبیر خواب، اثر فروید، خواندم که «یکی از نشانه‌های خلاقیت فرد این است که او، ناقد کارهای خودش باشد». من میرزا جلیلی را مصداق این سخن فروید می‌دانم، زیرا با وجود تمام زحماتی که برای وارد کردن ریاضیات جدید به مدارس ایران کرد، از آن دفاع مطلق نکرد، بلکه واقع‌گرایانه و از روی انصاف، نقدهای وارد بر آن را پذیرفت.

از نیمه دوم دهه ۵۰ و اوایل دهه ۶۰، با مسئله کاهش دانش‌آموزان رشته ریاضی فیزیک در مدارس مواجه شدیم که از آن به «آفت ریاضی» تعبیر شد و به تدریج در بسیاری از مدارس این رشته تعطیل شد. در مدرسی هم که رشته ریاضی فیزیک وجود داشت، تعداد دانش‌آموزان در هر کلاس، بسیار اندک بود. نقد و نظر میرزا جلیلی در این خصوص، خواندنی است:

«یکی از نشانه‌های خلاقیت فرد این است که او، ناقد کارهای خودش باشد». من میرزا جلیلی را مصداق این سخن فروید می‌دانم، زیرا با وجود تمام زحماتی که برای وارد کردن ریاضیات جدید به مدارس ایران کرد، از آن دفاع مطلق نکرد، بلکه واقع‌گرایانه و از روی انصاف، نقدهای وارد بر آن را پذیرفت




خاموشی

بخشی از تاریخ شفاهی

تألیف کتاب‌های درسی ریاضی

مانی رضائی

دانشگاه شهید بهشتی، عضو هیئت تحریریه مجله رشد آموزش ریاضی



در زمان شنیدن خبر، لحظاتی چند از درک آن‌چه می‌شنیدم، ناتوان بودم. راوی خبر بر این تصور بود که من پیش‌تر، از خبر مطلع بودم، پس تنها اشاراتی می‌کرد. گفت: آقای میرزا جلیلی... خیلی ناراحت‌کننده بود...! شنیدید که؟ گفتم «چی رو؟!»، گفت: «چهارشنبه بود... چون تعطیلی بود، با خبر نشده بودیم...». دوباره پرسیدم «چی رو؟» و گفت که «آقای میرزا جلیلی درگذشت!... تصاویر متعددی با سرعت بسیار، از پیش چشمم گذشت. بعضی‌ها کوتاه بود، بعضی دیگر با جزئیات بیشتری همراه بود. خبر برایم غیرقابل باور بود. شاید چون هر بار که در بستر بیماری بود، شور زندگی موجب شد تا دوباره او را در کنار خودمان ببینیم. اما این بار خبر از نوع دیگری بود.

سال‌ها تجربه برای او، کوله‌باری سنگین و پُربار ساخته بود که شاید بار آن، پشتش را خم کرده بود، اما در پس چهره خندان و مهربان او، ذهنی فعال و جویای مطالب تازه بود. معلمی با سابقه‌ای درخشان که تألیف کتاب‌های درسی و سال‌ها فعالیت در دفتر تألیف کتاب‌های درسی و همکاری مستمر با مجله رشد آموزش ریاضی را در کارنامه خود داشت. وجودش در مجله، موجب دل‌گرمی و نقطه امید بود. پشتکار و تلاش وی، بهانه‌ها را برای کم‌کاری از هر کس می‌گرفت. برخلاف زندگی‌های شتاب‌زده امروز، با صبر و بردباری موضوع‌ها را پیگیری می‌کرد و دیگران را از تجربه خود بی‌بهره نمی‌گذاشت. مرحوم میرزا جلیلی معلم بود.

از نخستین باری که میرزا جلیلی را دیده بودم، بیش از بیست سال می‌گذرد. در تمام این سال‌ها، چهره همان بود که نخستین بار دیدم. اما خستگی در چهره وی، هر روز نمایان‌تر می‌شد. خستگی تنها از گذر زمان نبود، شاید چیزی را که در خشت‌خام می‌دید، دیگران در آینه نمی‌دیدند. در سال‌های اخیر، با وجود مشکلات متعددی که غبار زمان بر شانه‌اش داشت، شاهد همراهی او در مجله رشد آموزش ریاضی بودیم. مرحوم میرزا جلیلی از جنس همان دسته معلمانی بود که صبور، با حوصله و شنونده خوبی هستند. او حرف‌های بسیاری داشت که اگر پای آن می‌نشستیم، از جزئیات آن آگاه می‌شدیم. بارها از چگونگی برنامه‌ریزی‌های آموزشی از گذشته‌های دور تا امروز سخن می‌گفت و درباره فراز و فرودهای هر یک، حرف‌های بسیاری داشت. به تشویق سردبیر محترم، دست به قلم شده بود تا تاریخ شفاهی خود را به رشته تحریر درآورد. از آن پس، هر بار که او را می‌دیدیم، نوشته‌ای تازه به‌همراه داشت. نوشته‌هایی که با دقت و حوصله نگارش شده بود و ناگفته‌های بسیاری در خود داشت.

چند سال پیش، برای جمع‌آوری داده‌های پژوهشی درباره کتاب‌های درسی به سراغش رفتم. شاید چیز زیادی نگفت، اما نشانی‌هایی داد که جزئیات بسیاری را آشکار کرد. بر این باور بودم که هر چه را لازم بود، گفته و فکر می‌کردم موضوع برای وی تمام شده است. چند روز بعد، یادداشت‌هایی به من داد که علاوه بر راهنمایی‌های که پیش‌تر داشت، حاوی مطالب تکمیلی بود.

در سال‌های اواخر دهه ۴۰ و اوایل دهه ۵۰ که برنامه درسی و نظام آموزشی تغییر کرد و کتاب‌های درسی ریاضی بازنویسی شد، میرزا جلیلی برای شرکت در چند دوره، به خارج از کشور اعزام شد. وی در تألیف کتاب‌های «ریاضیات جدید» همکاری گسترده‌ای داشت. در یکی از صحبت‌ها و نقل‌خاطرات درباره آن دوره، تأکید داشت که در تألیف کتاب‌های درسی، تمرکز بر محتوای ریاضی کتاب بود و حرف‌چندانی از مباحثی نبود که امروز در روند آموزش و یاددهی و یادگیری مورد توجه است. این اشاره صادقانه و صحبت‌هایی که به‌دنبال آن درباره رویکرد تألیف کتاب‌های درسی ریاضی داشت، حاوی نکات بسیار با ارزشی بود. میرزا جلیلی بیان نمود که مهم‌ترین تفاوت آن است که دانش‌آموزان آن دوره، تنوع امروز را نداشتند و برای مؤلف کتاب درسی، «یک» دانش‌آموز فرضی می‌توانست نمونه‌ای از همه دانش‌آموزان باشد. اما تأکید نمود که شناخت دانش‌آموزان امروز و توانایی‌ها و سلیقه‌های آنان، بسیار دشوارتر است. میرزا جلیلی از روندی که امروز در تدریس ترویج می‌شود، ابراز نارضایتی می‌کرد. وی معتقد بود که توجه بیش از حد به کتاب‌های کمک‌درسی، در عمل، معنی تدریس را عوض کرده است. در یکی از جلسه‌های هیئت تحریریه مجله، با اشاره به یکی از کتاب‌های کمک‌درسی، می‌گفت: «در جایی ده‌ها نکته نوشته و هیچ دلیلی نیاورده است و دانش‌آموز مجبور می‌شود آن‌ها را حفظ کند. در حالی که اگر یک قضیه برایشان اثبات شود، در روند اثبات و نتایج ناشی از آن، دانش‌آموز می‌تواند به سادگی همه نکته‌ها را درک کند و حتی خودش به‌دست آورد و اجباری به حفظ کردن آن‌ها ندارد.»

شاید تنوع توانایی‌های دانش‌آموزان، مؤلفان امروز را به مسیری متفاوت کشانده است، اما استفاده از تجربه مؤلفان پیشین و رویکرد آنان در تألیف‌ها، درسی است که باید از تاریخ گرفت، هر چند که این تاریخ شفاهی باشد، تاریخی که اگر ثبت و ضبط نشود، از دست می‌رود.

یکی از روزهایی که مسئولیت اجرایی در مجله داشتم، مشغول پر کردن یکی از فرم‌های مجله بودم، در جایی نام اعضای هیئت تحریریه را می‌نوشتم... نام: میرزا، نام خانوادگی: جلیلی! حس کردم نام «آقای جلیلی» برای من آشنا نیست، «میرزا جلیلی» برایم آشنا بود. از زمانی که دانش‌آموز بودم، این دو نام در کتاب‌های درسی ریاضی، همیشه در کنار هم بودند. برای من، هیچ‌گاه «میرزا جلیلی» از هم جدا نشد... اما امروز «میرزا جلیلی» از ما جدا شد.

یادش گرامی!



معلمی وارسته

محمد رضا فدائی، دانشگاه شهیدباهنر کرمان
عضو هیئت تحریریه مجله رشد آموزش ریاضی

در گذشت تأسفبار معلم ارزشمند، کارشناس اندیشمند خستگی ناپذیر، و عزیز همراه چندین ساله هیئت تحریریه مجله رشد آموزش ریاضی، شادروان جناب استاد میرزا جلیلی، ضربه محکم و غیرقابل جبرانی به حوزه آموزشی و کارشناسی نظام تعلیم و تربیت کشور تلقی می‌شود.

بیش از یک دهه در جلسات هیئت تحریریه، از حضور، تواضع، هم‌فکری، صداقت، نظم، حوصله، و پشتکار مستمر ایشان درس‌ها آموختم. به همین لحاظ به عنوان شاگردی کوچک، توان بیان مکنونات قلبی خود را نسبت به فقدان این استاد دوست‌داشتنی ندارم. لذا تنها به این بسنده می‌کنم که از قادر متعال و دانای بی‌همتا، درخواست تعالی ابدی و مغفرت الهی برایشان داشته باشم. وظیفه خود می‌دانم که به بازماندگان محترم این انسان وارسته نیز تسلیت عرض نموده و برای آنان از درگاه حق تعالی، آرزوی صبر جمیل و اجر جزیل مسئلت نمایم. روانش شاد.



در نظر ماست!

شیوا زمانی

دانشگاه صنعتی شریف

عضو هیئت تحریریه مجله رشد آموزش ریاضی

به صورت از نظر ما، اگر چه محبوب است همیشه در نظر خاطر مرفه ماست
«حافظ»

خدایش بیامرز که برای همیشه، اندام نحیف و چهره‌اش با آن عینک ته استکانی، «در نظر ماست»؛ نمونه سخت‌کوشی، همت بلند و خستگی ناپذیری. یادش به خیر که تاریخچه هر موضوعی را می‌دانست و روایت می‌کرد و مناسب با هر مطلبی، ماجراییی از مخزن حافظه پربارش بیرون می‌کشید. در جمع هیئت تحریریه مجله رشد آموزش ریاضی، از این پس حقیقتاً جایش خالی است.

کتابی که به ریاضیات علاقه مندم کرد!

پری حاجی خانی
مدیر داخلی مجله رشد آموزش ریاضی

زمانی که در سال اول دبیرستان مشغول به تحصیل بودم، کتاب ریاضیات ۱ و ۲، از کتاب‌های مورد علاقه‌ام بود و از آنجایی که جذب آن‌ها شده بودم، کنجکاو شدم تا نام مؤلفان این کتاب را بدانم پس از گذشت سال‌ها، وقتی همکاری خود را با مجله شروع کردم و با اعضای هیئت تحریریه آشنا شدم، بی‌اختیار یاد کتاب مذکور و نام آقای میرزا جلیلی افتادم و از این‌که می‌توانستم در کنار ایشان خدمت کنم، احساس غرور کردم. با توجه به این‌که در این مدت، آقای جلیلی یکی از فعال‌ترین اعضای هیئت تحریریه بودند، به پاس قدردانی از زحماتشان فهرستی از مقالاتی که از زمان شروع به کار در این مجله نوشته بودند، تهیه کردم. فهرست حاضر، دلیلی بر این ادعاست.

فلسفه تأسیس سازمان کتاب‌های درسی ایران
مجله شماره ۸۷
تضاد و اشکال در کجاست؟
مجله شماره ۸۹
از میلاد تا میلاد یا از بهار ۶۳ تا ...
مجله شماره ۱۰۰
ما وارث چه ریاضیاتی هستیم؟ (خاطراتی از تغییرات برنامه درسی)
مجله شماره ۱۰۱
تاریخچه گروه‌های آموزشی، خانه‌های ریاضیات و مسابقات ریاضی
مجله شماره ۱۰۳
تجربه شصت سال خدمت آموزشی
مجله شماره ۱۰۵
ضرورت تجلیل از پیشکسوتان
مجله شماره ۱۰۹
منشأ پیدایش واژه پیش‌دانشگاهی
مجله شماره ۱۱۱
تاریخ شفاهی برنامه درسی (گفت‌وگو با آقای جلیلی)
مجله شماره ۱۱۴
فرایند برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی
مجله شماره ۱۱۷
فرایند برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی (۲)
مجله شماره ۱۱۹
گروه‌های آموزشی چه می‌کنند؟
مجله شماره ۱۲۰
دنیا که آخر نشده است!
مجله شماره ۱۲۱

میراثی مجموعه‌های ماتریس‌های 2×2
مجله شماره ۴۵
بازنگری شده درخت فامیلی سه‌تایی فیناغورسی
مجله شماره ۴۷
عکس قضیه فیناغورس
مجله شماره ۴۹
بررسی دو دیدگاه در تألیف کتب ریاضی
مجله شماره ۵۹ و ۶۰
مروری بر کتاب‌ها و برنامه‌ریزی ریاضی کشور در گذشته دور و نزدیک
مجله شماره ۷۶
تولد رشد آموزش ریاضی
مجله شماره ۷۷
کنکور سراسری و مسائل آن
مجله شماره ۸۲
اثبات در یک دستگاه ریاضی
مجله شماره ۸۳
تأملی بر تألیف کتاب‌های درسی ریاضی: بازبینی تجارب گذشته
مجله شماره ۸۴
کلامی در یاد استاد محسن هشترودی
مجله شماره ۸۵
استدلال و آموزش
مجله شماره ۸۵

قوای طبیعی ماتریس‌های مربعی
مجله شماره ۳
نحوه آموزش ریاضی در هند
مجله شماره ۷
مصاحبه با آقای میرزا جلیلی
مجله شماره ۱۱
گزارش پنجمین مسابقه ریاضی کشور
مجله شماره ۱۷
گزارش ششمین دوره مسابقات دانش‌آموزش کشور
مجله شماره ۲۱
گزارش از آموزش و آموزش ریاضی در شوروی
مجله شماره ۲۳
آموزش ریاضی برای دنیای فردا
مجله شماره ۲۴
المپیاد ریاضی آبادان، هفتمین دوره مسابقات ریاضی کشور
مجله شماره ۲۵
مسئله حل کردن در برنامه ریاضی (۱)
مجله شماره ۲۶
مسئله حل کردن در برنامه ریاضی (۲)
مجله شماره ۲۷
کتاب‌های ریاضی کمک آموزشی (جنبی) در خارج و در ایران
مجله شماره ۲۸
هشتمین المپیاد ریاضی کشور ۲۱-۱۹ بهمن ماه ۱۳۶۹ کرمان
مجله شماره ۲۹
معرفی کتاب نگرشی جدید به کاربرد ریاضیات درباره جهان و انسان
مجله شماره ۴۴